

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۱۹ مارچ ۲۰۱۷

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۲۳۹

مُلحدنامه

— ۵ —

غزل

چو از بند ازار من، گره بیرون شود امشب
چو از دریای شهوت ابر گادن سر برون آرد
مرا پیش خدنگ خفته، می باید سپر کردن
به زیر پای پیلِ جنگی یک چشم پرنیرو
حساب دفتر کس می کند، مستوفی دوران
مرا خون بکارت ریخت آن روز از جفای کیر
سرای کُس ندارد ماحضر مهمان حمدان^۱ را
گدای کیر، از گنج کُسم قارون شود امشب
ز آب کیر صحرای کُسم جیحون شود امشب
که گر لیلی بود همراى من مجنون شود امشب
همه تلها و دشت کون و کس هامون شود امشب
من بیچاره باقیدار، حالم چون شود امشب
ندانم تا سر کیر از کجا بیرون شود امشب
همان بهتر، که او را جا به کاخ کون شود امشب^۲

* * *

^۱ - ماحضر = غذای حاضر و موجود؛ حمدان = آله تناسلی مرد
^۲ - غزل بالا در نسخه کاتب اصل ردیف نیست